

## اخلاق اقتصادی از نگاه قرآن کریم با رویکرد تحلیل محتوا

\* فاطمه حبیبی

\*\* فتحیه فتاحی زاده

### چکیده

این پژوهش به ارتباط اخلاق و اقتصاد در قرآن کریم می‌پردازد. ضرورت بررسی موضوع آن است که در عصر حاضر موضوع اقتصاد، مهم‌ترین دغدغه جوامع بشری است، حال آنکه نظام‌های اقتصادی عموماً از عدالت در رفتارهای اقتصادی فاصله گرفته و به ورطه سودجویی افتاده‌اند؛ البته مشکلات اقتصادی موجود در جوامع اسلامی، ناشی از فقدان مدل مناسب اخلاق اقتصادی در اسلام نیست، بلکه ناشی از عدم اجرای کامل و دقیق آن است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه گزاره‌های قرآنی با روش تحلیل محتوا است و می‌کوشد با تحلیل داده‌های قرآنی با تمرکز بر کلیدواژه «اموال»، به تبیین چگونگی دستیابی به مناسب‌ترین مدل رعایت اخلاق در اقتصاد بپردازد. در این پژوهش مشخص گردید که قرآن کریم به هر دو بعد فردی و جمعی اخلاق در اقتصاد پرداخته و بیشترین مفاهیم، به ترتیب مربوط به راه‌های صرف مال، آثار حبّ مال و ارزش‌گذاری بر پایه ثروت است.

### واژگان کلیدی

آیات اقتصادی، گزاره‌های اخلاقی اسلام، اخلاق اقتصادی، مال و ثروت.

f.habibi@alzahra.ac.ir

\*. پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول).

f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۷

## طرح مسئله

«اقتصاد» اگر نگوئیم مهمترین دغدغه بشر، یکی از مهمترین موضوعات در تاریخ جوامع انسانی بوده و هست. با مطرح شدن موضوع جهانی شدن<sup>۱</sup> در قرون معاصر و با صرف نظر از تأثیرات مثبت یا منفی این پدیده بر جوامع امروزی به ویژه جوامع اسلامی، بسیاری از مسائل اجتماعی از جمله اقتصاد تحت تأثیر آن قرار گرفته است. در پدیده جهانی شدن، مرزهای اقتصادی میان کشورها کمرنگ تر و عوامل تولید، سرمایه، نیروی کار و خدمات و ... در سراسر جهان، گسترده و گاه جابه‌جا می‌شود. (تارو، ۱۳۷۶: ۴۵)

از سوی دیگر موضوع «اقتصاد» و مسائل مرتبط با آن مانند ثروت‌اندوزی، توجه به فقراء و رفع نیاز آنان، عدالت اقتصادی و ... در تمام ادیان ابراهیمی مورد توجه و دقت نظر بوده است.

دین اسلام به عنوان آخرین و جامع‌ترین دین، این مسئله مهم را که جزو پایه‌های اساسی تشکیل نظام‌های اجتماعی می‌باشد، از نظر دور نداشته است. در بسیاری از آیات قرآن کریم، احکام و مسائل مختلف اقتصادی هم در بعد فردی و در ارتباط با اعضاء خانواده (مانند نفقه) و هم در بعد اجتماعی (مانند مسائل یتیمان، انفاق و قرض الحسنه) به تفصیل بیان شده است.

نکته مهم آن است که قرآن کریم تنها به تبیین مسائل اقتصادی و احکام مالی بسنده نکرده؛ بلکه در همان آیات اقتصادی، به منظور رساندن انسان و به تبع آن جامعه انسانی به عدالت و رشد فردی و جمعی، دستورات اخلاقی مهمی را نیز ارائه نموده است.

در قرآن کریم یک جامعه ایمانی به مثابه تن واحد در نظر گرفته شده است که حدوث یا وجود هر نوع نقص و آفتی در آن به اجزاء و اعضاء دیگر سرایت کرده و آنان را نیز بیمار می‌کند. از همین رو در آیاتی مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء / ۲۹) در کنار بیان یک نهی اقتصادی (ممنوعیت تصرف در مال غیر بدون رضایت وی) به موضوع خودکشی اشاره نموده است؛ گویی با ذکر این دو حکم در کنار هم به یک موضوع مهم اجتماعی پرداخته که اگر روابط اقتصادی در یک جامعه بر مبنای صحیحی استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود، گویی جامعه گرفتار نوعی خودکشی و انتحار خواهد شد؛ افزون بر اینکه به سبب عواملی مانند فقر، عدم رعایت عدالت اجتماعی و ... خودکشی به شکل فردی افزایش خواهد یافت، انتحار (یا انقلاب‌های) اجتماعی نیز می‌تواند از آثار ضمنی آن محسوب شود. (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۵۷)

1. Universalism.

با توجه به آنچه اشاره شد سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که اساساً اخلاق اقتصادی در قرآن کریم دارای چه نوع مفهوم و چارچوبی است و قرآن کریم در کنار گزاره‌های اقتصادی چه نوع مدل اخلاق فردی - اجتماعی را تبیین می‌کند.

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تحلیلی گزاره‌های مرتبط با اخلاق اقتصادی در قرآن کریم است. این پژوهش به دنبال آن است که با استخراج گزاره‌های مرتبط با رفتار اقتصادی در قرآن و تجزیه و تحلیل آنها چگونگی دستیابی به مدل رعایت اخلاق در اقتصاد را از نگاه قرآن کریم تبیین نماید. از همین رو گزاره‌های مرتبط با ثروت بر مبنای کلیدواژه «اموال» در قرآن کریم، با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی می‌شود.

### روش تحلیل محتوا

روش «تحلیل محتوا»<sup>۱</sup> یکی از مهمترین روش‌های علمی تفسیر متن است که در سال‌های اخیر به شکل ویژه‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تحلیل محتوا از رویکردی نوین برای تحلیل داده‌ها برخوردار است. این رویکرد عمدتاً ناشی از نحوه تلقی از موضوع تحلیل (محتوا) می‌باشد. تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها تعریف کرده‌اند.

لورنس باردن، تحلیل محتوا را «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر» تعریف کرده است. (باردن، ۱۳۷۵: ۲۵ - ۲۶) در این تعریف بر سه واژه «عینیت»، «کمیت» و «سیستماتیک بودن» تأکید شده که منظور از «عینیت» این است که پژوهش بر پایه قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام می‌گیرد. (موسوی‌نسب، ۱۳۸۴: ۸۰)

«نظام‌دار و سیستماتیک بودن» نیز بدین معناست که مطالعه افزون بر روش‌مندی، دایره شمول و طرح محتوا یا مقوله‌ها بر طبق قواعد کاربردی ثابتی مشخص شده است. باید توجه داشت که دو شرط عینیت و نظام‌دار بودن، قابلیت تکرار این روش را می‌رساند، به گونه‌ای که سایر پژوهشگران نیز بتوانند با استفاده از روش‌های یکسان و اطلاعات مشابه، به نتایج مشابهی برسند. (ازکیاء، ۱۳۸۲: ۳۹۰)

پژوهشگر در روش تحلیل محتوا، پیام و محتوای تولید شده را مورد بررسی قرار داده و می‌کوشد تا برای پرسش‌های پژوهش خویش، بر مبنای داده‌های موجود پاسخ مناسب بیابد. این روش که از عمر اصطلاحی آن بیش از پنجاه سال نمی‌گذرد، فرصت مناسبی را برای پژوهشگران در علوم

---

1. Content Analysis.

مختلف مانند روانشناسی، ارتباطات و ... فراهم آورده تا بر پایه بررسی داده‌ها به روش تحلیل محتوا، نتایج جدیدی را دریافت نمایند. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۹)

این روش مزیت‌های خاصی در پژوهش و تحلیل داده‌ها دارد، برای مثال استناد دقیق و استفاده آسان از این روش، به طوری که به کارگیری آن به تخصص ویژه‌ای نیاز نداشته و بخش زیادی از اطلاعات لازم جهت شناسایی موضوع، با این روش قابل گردآوری است. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۳۵) یکی از مهم‌ترین مزایای بررسی متن با روش تحلیل محتوا، استحکام آن بر قواعد اصولی مانند اعتبار، پایایی و نظام‌مندی است (هومن، ۱۳۹۳: ۸۰) و همین مزیت سبب استقبال محققان علوم اسلامی و کاربرست این روش در تحلیل نصوص دینی شده است.

از سوی دیگر توجه به این موضوع بسیار مهم است که ضرورت انتخاب روش «تحلیل محتوا» در پژوهش حاضر، توجه ویژه به خصیصه نص‌گرایی آن؛ یعنی بررسی مستقیم متن از سوی پژوهشگر و عدم دخالت دادن دلایل خارج از متن در فرآیند تحلیل است. (نیومن، ۱۳۹۰: ۲ / ۱۷۹ - ۱۷۶) در سال‌های اخیر پژوهشگران علوم اسلامی کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از روش‌های نوین علمی تحلیل متن، آیات قرآن کریم را بازخوانی کرده و وجوه دیگری از اعجاز محتوایی کلام الهی را بازنمایی کنند. روش پژوهش حاضر بدین شرح است:

۱. استخراج آیات با کلیدواژه «اموال».

۲. استخراج مفاهیم اخلاقی بر پایه مطالعه تفاسیر و ثبت در جدول تحلیل محتوا.

۳. کشف جهت‌گیری اصلی در مفاهیم اخلاقی مرتبط با موضوع ثروت.

۴. کشف مضامین اصلی و فرعی مفاهیم.

۵. مقوله‌بندی مضامین مشترک آیات.

۶. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

برای انجام پژوهش حاضر از تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی»<sup>۱</sup> (TCA) استفاده شده است و بدیهی است که در این روش، به‌جای استفاده از مقیاس‌ها و مقوله‌های از پیش تعیین‌شده در تفاسیر، مستقیماً و با تکیه بر نص قرآن کریم، مضامین پیام‌ها سنجیده می‌شود.

### پیشینه پژوهش

درباره موضوع رعایت اخلاق در اقتصاد اسلامی، پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است. به عنوان

1. Thematic Content Analysis.

نمونه مهدی نیک‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «جایگاه ثروت در اسلام و نقش آن در زندگی و سرنوشت انسان» به تبیین نقش ثروت در زندگی مادی و معنوی انسان و آسیب‌های ثروت‌اندوزی پرداخته است. در مقاله دیگری نیز با عنوان «الگوی بازار قرض الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن» به الگوی پیشنهادی اسلام برای بازار استقراض و وجوه مختلف این امر، پرداخته شده است. (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶)

همچنین نویسندگان مقاله «مقایسه تطبیقی جایگاه ثروت در دین اسلام و نظریه اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری داریماکس وبر» به مقایسه تأثیر دین بر عوامل اقتصادی در اسلام و مسیحیت پرداخته در نهایت بیان می‌دارند که با وجود اینکه اسلام گزاره‌های تکلیف‌ساز فراوانی برای کسب و مصرف مال دارد اما انباشت ثروت و دلبستگی به آن به عنوان هدف غایی زندگی را امری مردود می‌داند. (محدث و همکاران، ۱۳۹۴)

هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام گرفته، به موضوع اخلاق اقتصادی در آیات با روش تحلیل محتوا - رویکرد به کار گرفته شده در پژوهش حاضر- نپرداخته‌اند.

### تعریف اخلاق اقتصادی

واژه «اخلاق» جمع «خلق» به معنای طبیعت و خوی است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۵۷) اندیشمندان علم اخلاق معتقدند صفات و حالات نفسانی انسان مشتمل بر دو بخش است یکم؛ فضائل که موجب سعادت و نجات انسان است و دوم؛ رذائل که سبب هلاک بشر است. علم اخلاق به دنبال معالجه رذائل و آراسته شدن نفس انسانی به فضائل است. (نراقی، ۱۹۴۹: ۱ / ۳۴)

گرچه قبل از آنکه اقتصاد تبدیل به یک علم مدون شود، مسائل اقتصادی به عنوان یکی از شاخه‌های علم اخلاق (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ تیاسن، ۱۳۷۷: ۳ - ۱) مورد بحث و تدریس قرار می‌گرفت اما بسیاری از مکاتب اقتصادی پس از قرن شانزده میلادی، هرگونه ارتباط اخلاق و ارزش‌های معنوی را با رفتار اقتصادی انکار کردند و در عصر حاضر نظریه غالب «جدایی اخلاق از اقتصاد» است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ تیاسن، ۱۳۷۷: ۳ - ۱)

دین اسلام با هدف هدایت بشر به سعادت نهایی، ارزش‌های اخلاقی را با امور اقتصادی درهم آمیخته و مسلمانان را به رعایت برخی دستورات اخلاقی در زمینه ثروت و امور مالی فردی - اجتماعی ملزم نموده است؛ به عبارت دیگر دین اسلام در قالب احکام فقهی و اخلاقی مرتبط با روابط اقتصادی، راه برون‌رفت از مشکلات اقتصادی جوامع و حرکت به سمت نظام اقتصادی سالم را بیان

کرده است. (صدر، ۱۳۷۵: ۲۹۷ - ۲۹۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۲۲؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۵ - ۹) در مجموع می‌توان گفت مراد از «اخلاق اقتصادی» مجموعه‌ای از صفات و رفتارها است که یک مسلمان به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و مصرف بهینه، در پرتو اعتقادات دینی، خود را متعهد به انجام یا ترک آنها می‌داند. (ایروانی، ۱۳۸۳: ۹۴ - ۹۱، معزی، ۱۳۹۵: ۴۲ - ۳۹ و ۱۲۸)

### تحلیل محتوای آیات اقتصادی با کلیدواژه «اموال»

به منظور بررسی شناخت صحیح مفهوم اموال در قرآن کریم، در گام نخست لازم است تعریفی هرچند مختصر، از این واژه کلیدی ارائه شود. پیش از تبیین واژگان، باید گفت نکته بسیار ارزشمند در روش تحلیل محتوا جنبه اکتشافی این روش است؛ یعنی هیچ فرضیه و پیش‌فرضی وجود ندارد و پژوهشگر پس از تفکیک متن، در پی یافتن مضامین و کلمات برجسته در متن است. پس از کدگذاری، با دسته‌بندی مضامین مستخرج از متن می‌تواند فراوانی کلمات و مضامین را ارزیابی کرده، سپس مفاهیم و مقوله‌های پنهان در متن را استنباط و در پایان نیز به توصیف و تفسیر آنها بپردازد. به سبب محدودیت مقاله حاضر، آنچه در ادامه مشاهده می‌شود آخرین مرحله؛ یعنی توصیف و تبیین دسته‌بندی‌ها است.

کلمه «اموال» جمع مال است، این واژه ۸۶ مرتبه در ۸۰ آیه قرآن کریم به کاررفته که از این تعداد ۲۵ بار به شکل مفرد «مال» و در سایر کاربردها به صورت جمع آمده است. «مال» در لغت به معنای هرچیزی است که مالک آن شوند (فیروزآبادی، بی‌تا: ۳ / ۶۱۸) و در اصطلاح عبارتست از آنچه مورد رغبت انسان قرار گیرد و بخواهد آن را به تملک خود درآورد؛ این کلمه از مصدر میل گرفته شده؛ چون مال چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۵۱)

برای استخراج مفاهیم مرتبط با اخلاق اقتصادی در قرآن کریم، ابتدا آیات حاوی واژگان «مال» و «اموال» مشخص شده؛ سپس جهت‌گیری آیات، نقاط تمرکز و نوع ارتباط اخلاقی آن، در قالب جداول تحلیل محتوا بیان می‌شود و در دو شکل تحلیل کمی و تحلیل کیفی مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است که گزینش مفاهیم برای این پژوهش، با نظر به تفاسیر *المیزان*، نمونه و نور انجام شده است.

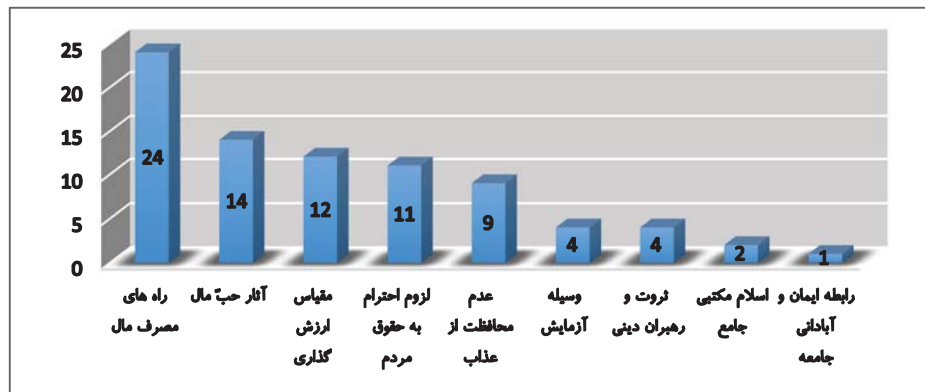
منظور از تحلیل کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالب‌ها و مضامین مطرح‌شده در متن است که به محقق کمک می‌کند تا با ساختار مؤلفه‌های به کاررفته در متن آشنا شود. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶)

در تحلیل کمی آیات اقتصادی با کلیدواژه «اموال» ابتدا با بررسی آیات، فراوانی موضوعات مطرح شده در آیات، فراوانی جهت‌گیری<sup>۱</sup> آیات (در دو بعد فردی و اجتماعی گزاره‌های اخلاقی) و قالب‌های بیانی، بسامدگیری و سپس میزان فراوانی هریک به تفکیک جداول، بیان می‌شود. در تحلیل کیفی که ذیل جداول تحلیل کمی ارائه می‌شود نیز به بررسی محتوایی آیات و مفاهیم مرتبط با اخلاق اقتصادی پرداخته می‌شود. به سبب محدودیت، امکان درج کامل جدول آیات، وجود ندارد و تنها به ذکر نمونه‌هایی از آیات و بررسی نتایج حاصل از تحلیل محتوای آیات، اکتفا می‌گردد.

#### ۱. فراوانی موضوعات مطرح شده در آیات با کلیدواژه «اموال»

فراوانی موضوعات مطرح شده در آیات با کلیدواژه «اموال» نشان می‌دهد در این آیات بیشترین تأکید بر شیوه مصرف ثروت است. در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از گزاره‌های اخلاقی آیات اقتصادی اکتفا می‌شود.

نمودار (۱) سنجش فراوانی موضوعات مطرح‌شده در آیات با کلیدواژه «اموال»



#### یک. راه‌های صرف مال

در میان این دسته از آیات مهم‌ترین موضوعی که به چشم می‌خورد موضوع جهاد اقتصادی است؛ زیرا از ۲۴ آیه‌ای که درباره راه‌های مصرف اموال سخن گفته شده، ۱۱ آیه به موضوع جهاد اقتصادی (به معنای جهاد با مال و ثروت) و ۹ آیه به موضوع انفاق اختصاص دارد؛ یعنی ۴۸٪ آیاتی که در آنها به راه‌های مصرف اموال در قرآن می‌پردازد، سخن از جهاد با اموال است (نساء / ۹۵؛ توبه / ۴۱ و ۱۱۱)؛ حدود ۴۰٪ آیات به موضوع انفاق (بقره / ۲۶۴، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۷۴ و ...) و تنها در حدود ۱۳٪ آیات به

۱. به منظور سهولت بررسی متن، موضوعات فرعی استخراج شده، در قالب عناوین کلی که به آن «جهت‌گیری» گویند، طبقه‌بندی می‌شوند.

مسائلی مانند هزینه کردن در خانواده (نساء / ۳۴) یا امر ازدواج (نساء / ۲۴ و نور / ۳۳) مربوط است. نکته قابل تأمل اینکه جهاد، تنها به معنای جنگ و نبرد مسلحانه نیست؛ زیرا اصل معنای «جَهْد» یا «جَهْد» یعنی بذل کوشش گسترده به اندازه طاقت و تا سرحدّ توان. (مصطفوی، بی تا: ۲ / ۱۲۸) پس هر نوع تلاش و کوششی را که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی انجام شود، در برمی گیرد. از این رو، افزون بر نبردهای دفاعی، مبارزه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز در زمره جهاد قرار می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴ / ۸۲) از همین رو در آیاتی که به موضوع جهاد مالی می‌پردازد، می‌توان موضوعات اخلاقی - اقتصادی بسیاری را مشاهده نمود؛ برای مثال در این آیات سخن از جهاد با جان نیز آمده و نه تنها در تمام آنها جهاد مالی بر جهاد با جان مقدم شده، بلکه راه رسیدن به رستگاری را جهاد در راه خدا بیان نموده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه / ۲۰) و یا در آیه «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه / ۸۸) راه رسیدن به رستگاری را تنها در سایه ایمان و جهاد دانسته و جهاد را مایه نزول خیرات و برکات الهی معرفی نموده است. به علاوه در این آیات جهاد مالی را یکی از خصوصیات رستگاران بر شمرده و آن را دقیقاً نقطه مقابل صفت نفاق رفاه طلبانه معرفی کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۸ / ۷۵)

در موضوع جهاد مالی که تا این حد قرآن کریم به آن اهتمام دارد، دو مفهوم را در آیات می‌توان یافت؛ یکی اینکه منظور از جهاد مالی، انجام تکالیف مالی اسلام (مانند زکات) است. محتوای دیگر این بخش از آیات (که به شکل واضح و پرمعنایی، دارای بسامد ۷۵٪ است) مربوط به صرف مال در راه دین و عقیده است؛ یعنی دعوت به جهاد با مال مربوط به صرف هزینه برای تقویت جبهه حق است؛ این موضوع در آیات ۹۵ نساء، ۷۲ انفال، ۲۰، ۳۷، ۴۱، ۴۴، ۸۸، ۱۱۱ توبه و ۱۱ صف آمده است. به عنوان نمونه در آیه «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه / ۴۱) سخن از جهادی همه جانبه و فراگیر است و به این معنا تأکید دارد که مسلمانان پس از صدور فرمان جهاد، در هر شرایطی باید به جهاد رفته و هیچ عذر و بهانه‌ای نیاورند، علاوه بر اینکه فرمود با مال و جان؛ یعنی به هر وسیله که برایتان ممکن است، جهاد کنید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۷ / ۴۲۴)

صرف مال در راه عقیده تنها به سیره مسلمانان منحصر نیست، بلکه در آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انفال / ۳۶) به خرج کردن ثروت توسط جبهه باطل (کفار) در



راه عقیده باطلشان که همان بازداشتن مردم از راه خدا است، نیز اشاره دارد. به عبارتی اموالی که در راه ابطال دعوت و جلوگیری از راه حق خرج شود؛ نتیجه نخواهد داد، لذا این هدررفت و ضایع شدن اموال، باعث حسرت ایشان می‌شود و چیزی جز شکست عایدشان نشده و از اموالشان سودی نمی‌برند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۷۴)

به علاوه در این آیات قید «فی سبیل الله» بارها تکرار می‌شود تا نشان دهد شرط قبول جهاد مالی این است که تنها برای جلب رضایت الهی باشد نه مقاصد دیگر مانند تظاهر یا شهرت. پس از جهاد با اموال در رتبه دوم - از بین آیاتی که روش مصرف اموال را نشان می‌دهند - سخن از انفاق است که حدود ۴۰٪ آیات به این موضوع اختصاص دارد. در این آیات در کنار موضوع انفاق، امور اخلاقی فراوانی مانند اثرات فردی - اجتماعی انفاق، شرایط انفاق مقبول، آفات انفاق و ... مشاهده می‌شود. برای نمونه در آیه ۱۷۷ بقره انفاق را اولاً نشانه نوع دوستی و انفاق مال با علاقه و رغبت نه اکراه را از نشانه‌های مهم نیکوکاری معرفی می‌نماید: «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»؛ ثانیاً در این آیه عبادت مالی مستحب قبل از نماز و زکات آمده و یکی از راه‌های رسیدن به تقوا، انفاق مستحب بیان شده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ». به علاوه در این آیات به موضوع اولویت‌ها در انفاق نیز اشاره دارد که بر پایه ترتیب افراد در این آیه، در انفاق، خویشان نیازمند در اولویت هستند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۷۰)

همچنین در آیاتی مانند «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَمْعَ سَائِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۶۱) انسان انفاق‌گر به بذری تشبیه شده که وقتی با نیت پاک و روشی صحیح، کشت شود، نتیجه‌اش محصولی فراوان خواهد بود. در این آیه وجه تشبیه نمو و رشد حبه است، گویی انسان انفاق‌کننده در پرتو عملش رشد فوق‌العاده معنوی پیدا می‌کند. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۱۳) پس افزون بر اثر اجتماعی که انفاق دارد و آن عبارتست از تعدیل ثروت‌ها، کم‌شدن فاصله طبقاتی و ایجاد اتحاد بین مسلمانان که نتیجه آن از بین رفتن کینه‌ها و دشمنی‌ها است، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۸۴ - ۳۸۳) انفاق برای شخص انفاق‌کننده نیز آثار اخلاقی - معنوی ویژه‌ای به دنبال دارد (این آثار اخلاقی را می‌توان در دسته دوم راه‌های صرف ثروت، که موضوع حب مال است بررسی و دریافت نمود).

نکته دیگری که از آیه فوق برداشت می‌شود، تثبیت نمودن خصلت انفاق در انسان است؛ یعنی انفاق نباید محدود به یک یا چندبار یا در یک زمان خاص باشد، بلکه صفت بخشنده‌گی باید در مؤمن وصفی همیشگی شود (استفاده از فعل مضارع «يُنْفِقُونَ» که دلالت بر استمرار دارد). (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۳۲)

## دو. آثار حبّ مال

چنان که در نمودار فراوانی موضوعات مطرح شده در آیات با کلیدواژه «اموال» مشاهده می‌شود، در این آیات بیشترین بسامد پس از شیوه مصرف ثروت، به موضوع آثار حبّ مال اختصاص دارد. در این آیات مسائل مختلفی، نتیجه و ناشی از مال دوستی معرفی می‌شود اموری چون گرفتاری به شدت عذاب در لحظات مرگ (توبه / ۵۵ و ۸۵)؛ نفوذ و شراکت شیطان در مال (اسراء / ۶۴)؛ غفلت از یاد خدا (حدید / ۲۰؛ منافقون / ۹)؛ ترک جهاد (فتح / ۱۱)؛ مسامحه با کفار (قلم / ۱۴)؛ حرام‌خواری (فجر / ۲۰) و ... .

در این میان، برخی از آیات به روشنی ردائل اخلاقی مانند بخل (لیل / ۱۱)، تفاخر و تکاثر (حدید / ۲۰)، کینه (محمد / ۳۷ و ۳۶) و عیب‌جویی (همزه / ۲۰) را از آثار حبّ مال می‌داند، به‌عنوان نمونه در آیه «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَيْنَ» (قلم / ۱۴) به‌عنوان جمع‌بندی<sup>۱</sup> از آیات ۱۳ - ۹ «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ \* وَذُؤًا لَوْ تَدْعُهُنَّ فَيَذْنُونَ \* وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ \* هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ \* مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ \* عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ» از انسان ثروتمندی سخن می‌گوید که ثروت و دارایی فراوان او را یاغی کرده، به نعم الهی کفر می‌ورزد و تمامی ردائل خبیثه در وجود او پیدا شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۷۲) از این رو می‌توان گفت حقارت درونی (مهین) هنگامی که با امکانات و ثروت جمع شود، فسادآفرین است و حبّ مال ریشه بسیاری از ردائل اخلاقی، مانند: سخن‌چینی و نمّامی، بخل شدید، اصرار در کفر، ظلم بی‌حد و حصر، اشتغال دائمی به گناه، تندخویی و ... است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۲ / ۱۶۸)

یکی دیگر از آثار مهم حبّ مال، موضوع تفاخر و تکاثر است که در دو آیه بدان اشاره شده است؛ در آیه «اعلموا أنّما الحیاة الدنّیة لعبٌ ولهوٌّ وریةٌ وترفٌ بینکم و تکاثرٌ فی الأموال والأولاد» (حدید / ۲۰) «تکاثر در مال و اولاد» به این معناست که شخصی به دیگری فخر بفروشد که من مال و فرزند بیشتری دارم اما واقعیت این است که مال و اولاد، اموری خیالی و زائل‌شدنی هستند و برای انسان باقی نمی‌مانند و هیچ یک از آنها کمال نفسانی و خیر حقیقی را برای انسان جلب نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۶۴)

در این آیه و آیات دیگری از قرآن کریم، مانند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» (أنعام / ۳۲) زندگی دنیا به «لعب و لهو» توصیف شده که از مجموعه این تعبیرهای دیگر قرآن می‌توان دیدگاه اسلام را در مورد زندگی مادی دریافت که اسلام برای آن ارزشی ناچیز قائل بوده و تمایل و

۱. در این آیه حرف لام در تقدیر است و این جار و مجرور متعلق به فعلی است که از مجموع صفات رذیله مذکور استفاده می‌شود، به این معنا که: او چنین و چنان می‌کند؛ زیرا که ثروتمند است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۷۲)

دلبستگی به آن را ناشی از امور مختلفی چون حب مقام و برتری‌جویی بر دیگران (تفاخر) و حرص و افزون‌طلبی در مال (تکاثر) می‌شمرد و عشق به آن را سرچشمه انواع مظالم و گناهان می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۳ / ۳۵۷ - ۳۵۶)

همچنین بر پایه آیه: «وَكَانَ لَهُ نَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفْرًا» (کهف / ۳۴) فقر یا ثروت، ملاک ذلت یا عزت انسان نیست؛ بلکه این آیه اولاً ثروت را عامل فخرفروشی و استکبار معرفی کرده؛ ثانیاً فخرفروشی به سبب ثروت را نشانه‌ای بر کم‌ظرفیتی انسان می‌داند. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۷ / ۱۷۰)

### سه. رهبران دینی و ثروت

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در اجتماع مورد توجه است، نحوه برخورد و به عبارت دقیق‌تر عملکرد و موضع رهبران جوامع - اعم از رهبران الهی و یا به تعبیر قرآن کریم ائمه کفر- با موضوع ثروت‌اندوزی است. در میان آیات مورد بررسی در پژوهش حاضر چهار مورد یافت شد که در آنها موضوع اصلی، نحوه برخورد رهبران جوامع با مسئله ثروت‌اندوزی است. این آیات عبارتند از: توبه / ۳۴، هود / ۲۹ و ۷۸، نمل / ۳۶.

در میان این آیات اصول اخلاقی مرتبط با اقتصاد، فراوان به چشم می‌خورد، به‌عنوان مثال آیه: «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود / ۲۹) پاسخ نوح نبی عليه السلام به قومش است؛ زیرا آنان نوح عليه السلام را متهم به کذب در دعوت و نبوت کردند (هود / ۲۷) اما نوح می‌گوید که دعوتش وسیله‌ای برای جلب اموال مردم و ربودن آن نیست و به انگیزه طمع مال، آنان را به دین جدید دعوت نمی‌کند و در طول دعوتش چیزی از مردم نمی‌خواهد بلکه اجر و پاداش او تنها بر خدایی است که به نبوت مبعوثش نموده است: «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» این موضوع نشان می‌دهد که وی هدف مادی از این برنامه نداشته و جز به پاداش معنوی الهی نمی‌اندیشد حال آنکه یک مدعی دروغین نمی‌تواند چنین باشد و در دسرها و ناراحتی‌های فراوان را به خاطر هیچ تحمل نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۲۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۹ / ۷۵) از این رو باید گفت خصلت ویژه و رمز موفقیت رهبران دینی، بی‌اعتنایی به ثروت و نداشتن توقع مالی از مردم است.

یکی دیگر از نکات اخلاقی مهم این آیه یکسان دیدن مردم اعم از فقیر و غنی است. سران و اشراف قوم نوح، پیروان او را افرادی پست دانسته و این موضوع را دلیل کذب نبوت وی قلمداد

کردند: «وَمَا تَرَكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئَارِي الرَّأْيِ». (هود / ۲۷) این نوع نگاه طبقاتی در یک جامعه توسط ثروتمندان به سایرین، نشانه‌ای است بر اشرافی‌گری آنان و اینکه معتقد بودند اگر آنان نیز نوح را پیروی کنند به فقراء پیرو نوح علیه السلام، شبیه خواهند شد که با شرافت (ساختگی و خیالی) آنان منافات داشته و از قدر و منزلت اجتماعی‌شان می‌کاهد از این رو از پذیرش دعوت نوح سر باز زدند. (رک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۲۰۳۲ - ۲۰۲) پس ویژگی اخلاقی دیگر رهبران الهی (مانند نوح علیه السلام در جایگاه رهبر جامعه) این است که اولاً همه مردم در نظر آنان یکسان هستند ثانیاً نه ثروت نشانه فهم و نه فقر را ملاک بی‌خردی می‌دانند. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۵ / ۳۰۷)

مشابه این برخورد را می‌توان در رفتار حضرت سلیمان علیه السلام با فرستادگان ملکه سبا در آیه «فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ» (نمل / ۳۶) مشاهده نمود. رهبران دینی خود را با پول معامله نمی‌کنند و انگیزه‌های فاسد را در پشت هدایا می‌بینند و صاحبان آن انگیزه‌ها را توییح و سرزنش می‌کنند. افزون بر اینکه رهبران الهی نعمت‌ها را از خدا دانسته و با الطاف الهی به آرامش می‌رسند: «فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ» اما در نقطه مقابل، مردم مادی‌گرا با مادیات «بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ» شاد و بدان دل بسته می‌شوند. (همان: ۸ / ۴۲۰)

همچنین با دقت در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه / ۳۴) نحوه برخورداری از ثروت و اخلاق اقتصادی رهبران باطل را نیز می‌توان دریافت. بر پایه آیه مذکور بهره‌گیری علما از ثروت مردم و بهره نرساندن به آنان، بی‌ رغبتی مردم نسبت به دین را به دنبال خواهد داشت: «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» و بزرگترین خطر برای علماء دینی، موضوع فساد اقتصادی است، همان‌گونه که علماء یهود به خاطر منافع مادی خود، حق را کتمان کردند و به حقانیت دین اسلام اعتراف نکردند و با گرفتن رشوه از مردم حق را باطل و باطل را حق می‌کردند و به نفع زورمندان و اقویا حکم باطل می‌دادند و ... نکته مهم دیگر اینکه قرآن کریم ضمن پذیرش و تأیید اصل مالکیت خصوصی انسان‌ها «أَمْوَالَ النَّاسِ»، ثروت‌اندوزی در جامعه فقیر را حرام و ممنوع می‌داند هرچند این ثروت از راه حلال جمع شده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۷ / ۳۹۱: قرآنی، ۱۳۸۳: ۵ / ۵۳ - ۵۶)

بنابراین نحوه برخورد یا استفاده رهبران جامعه اعم از رهبران الهی و غیر آن - به ویژه علماء دینی - با ثروت یا گروه ثروتمند، از موضوعات مورد اهتمام در آیات اخلاقی - اقتصادی قرآن کریم است.

#### چهار. جامعیت دین اسلام

در میان موضوعات مختلفی که در نمودار (۱) بدان اشاره شده، مسئله‌ای بسیار مهم وجود دارد و آن جامعیت مکتب اسلام است. «جامعیت دین» از مباحث اصیل فلسفه دین است که می‌تواند درباره هریک از ادیان مطرح باشد. به شکل خلاصه باید گفت منظور از موضوع جامعیت دین این است که آیا دین تنها به مسائل مربوط به آخرت و جهان پس از مرگ می‌پردازد یا مسائل مربوط به دنیای انسان را نیز مد نظر دارد؟ هرچند در این باره نظرات مختلفی مطرح است اما در نگاه اعتدالی، گستره دین تنها در حوزه امور فردی و مسائل اخروی منحصر نیست بلکه امور اجتماعی و دنیوی انسان - تا آنجا که در هدایت انسان مؤثر است - را نیز مورد توجه قرار داده است. (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

این موضوع را می‌توان در آیاتی مرتبط با «اموال» دریافت. در میان آیات بررسی شده در پژوهش حاضر، دو آیه وجود دارد که نشان می‌دهد اسلام به طور صریح، در کنار موضوعات اخروی، امور دنیوی و بحث هزینه‌کرد ثروت را توأمان مورد توجه قرار داده است. این آیات عبارتند از: آیه ۱۹ ذاریات و آیات ۲۴ و ۲۵ معارج.

آیات ۱۹ - ۱۵ سوره ذاریات اوصاف متقین را برمی‌شمارد که بر اساس آن، سیره و عملکرد متقین شامل دو وجه است؛ یک بخش سیره متقین را نسبت به درگاه خدای سبحان بیان می‌کند: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ \* وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (۱۷ و ۱۸) که شب زنده دارند و در سحرها استغفار می‌کنند و بخش دیگر سیره آنان را در برابر مردم بیان می‌کند: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (۱۹) که به سائل و محروم کمک مالی می‌کنند. پس متقین کسانی هستند که هم اطاعت خدا را کرده و هم به خلق خدا انواع نیکی‌ها را مبذول می‌دارند. مشابه این موضوع در آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره معارج نیز وجود دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۲ / ۳۲۳ - ۳۲۲)

نکته دیگر اینکه بر پایه دیدگاه اسلام، انفاق، دادن حق خود محروم است نه لطف یا محبتی به او؛ زیرا بر پایه این آیه، حق محرومان در اموال ثروتمندان قرار داده شده است «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ» یعنی در دارایی ثروتمندان، علاوه بر حقوق واجب مانند خمس و زکات، حقوق دیگری نیز وجود دارد و این موضوع، در روایات ائمه شیعه مشاهده می‌شود، به‌عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «وَأَنَّ عَلَيْكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقُلْتُ: وَ مَا عَلَيْنَا فِي أَمْوَالِنَا غَيْرَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ»...؟ قَالَ: قُلْتُ: فَمَاذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ الَّذِي عَلَيْنَا؟ قَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يَعْمَلُهُ الْجَلُّ فِي مَالِهِ، يُعْطِيهِ فِي الْيَوْمِ، أَوْ فِي الْجُمُعَةِ، أَوْ فِي اشْتَهَرُ قَلٌّ أَوْ كَثْرٌ غَيْرَ أَنَّهُ يَدُومُ عَلَيْهِ». (کلینی، ۱۳۶۵: ۳ / ۴۹۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۶ / ۲۷) به این ترتیب

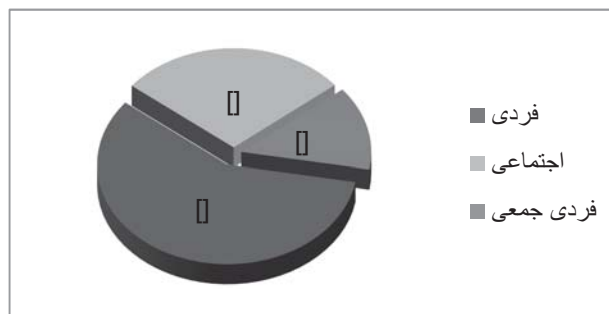
دیگر جایی برای منت‌گذاری بر محروم باقی نخواهد ماند؛ زیرا حق خود نیازمند است که به وی اعطاء می‌شود و از سوی دیگر، فرد ثروتمندی هم که با این نگاه به یاری محرومان اقدام می‌کند از گرفتار شدن به این صفت رذیله در امان خواهد ماند. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲ / ۲۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۳۲۵ - ۳۲۴)

بنابراین اسلام درعین حال که امور اخروی را مورد توجه قرارداده و حتی مستحباتی مانند بیداری در شب را از اوصاف شایسته متقین برمی‌شمارد و بر آن تأکید می‌ورزد اما دستگیری از محرومان جامعه را نیز در کنار مسائل عبادی مذکور، جزء تکالیف واجب یک متقی می‌داند. به عبارت دیگر با تقوا و درعین حال ثروتمند بودن هرگز در نگاه اسلام مذموم نبوده و اسلام لازمه تقوا را، فقر نمی‌داند.

## ۲. فراوانی جهت‌گیری‌ها

پس از بررسی موضوعات فرعی استخراج شده از متن و به جهت سهولت فهم متن، این موضوعات فرعی در قالب عناوین کلی «جهت‌گیری» طبقه‌بندی می‌شوند. در این بخش نیز به جهت محدودیت کلام و رعایت اختصار و تنها به منظور آشنایی با نحوه استخراج گزاره‌ها، به ذکر نمونه‌هایی از جهت‌گیری‌های فردی، اجتماعی و مشترک (فردی - اجتماعی) گزاره‌های اخلاقی در آیات اقتصادی اکتفا می‌شود.

نمودار (۲) سنجش فراوانی جهت‌گیری گزاره‌های اخلاقی در اقتصاد



### یک. جهت‌گیری فردی گزاره‌های اخلاقی

پس از بررسی موضوعات فرعی، روشن شد که ۵۸٪ آیات اخلاقی مرتبط با اقتصاد، در حوزه رفتار فردی قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه دو مورد از آیات و جدول تحلیل محتوای آن با تمرکز بر موضوع جهت‌گیری گزاره‌های اخلاقی در اقتصاد اشاره می‌شود.

ردیف	آیه	مضمون اصلی	مضامین فرعی	جهت‌گیری
۱	وَكُنِبَلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. (بقره / ۱۵۵)	آزمایش انسان	یکسان نبودن آزمایش انسان‌ها	فردی
			زیان مالی یکی از انواع آزمایش	فردی
			صبر راه پیروزی در آزمایش‌های الهی	فردی
۲	إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (تغابن / ۱۵)	آزمایش انسان	وسیله آزمایش دانستن مال عامل ایجاد آرامش	فردی
			دلبستگی به اموال و اولاد زمینه لغزش	فردی
			یادآوری پاداش‌های الهی عامل نجات از وابستگی به مال	فردی

موضوع اصلی اخلاقی اشاره شده در این دو آیه «آزمایش انسان» است و نقش دارایی‌های انسان (اعم از مال و اولاد) در عالم دنیا را دارای موضوعیت امتحانی تبیین می‌نماید. در آیه ۱۵۵ بقره به عنوان یک امر قطعی، تخلف‌ناپذیر و همگانی می‌فرماید به طور مسلم ما همه شما را با اموری همچون زیان مالی و جانی و ... آزمایش می‌کنیم. سپس بشارت می‌دهد کسانی که با سلاح صبر، از عهده آزمایش‌های سخت به خوبی برآیند رستگاری حقیقی متعلق به آنها است. در ادامه با بیان آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» به این واقعیت اشاره می‌کند که چون همه از او هستیم و به سوی او باز خواهیم گشت پس از زوال نعمت‌ها ناراحت نشویم، چراکه همه این مواهب بلکه خود ما به خداوند تعلق داریم؛ افزون بر اینکه دنیا سرای جاودان نیست و زوال نعمت‌ها و کمبود یا کثرت مواهب، زودگذر است از این رو توجه به این دو اصل اساسی، تأثیر عمیقی در ایجاد روح استقامت و صبر در انسان دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱ / ۵۲۵)

در آیه دوم نیز به موضوع آزمایش انسان به وسیله دو ابزار ثروت و فرزند اشاره می‌کند. واژه «فتنه» به معنای گرفتاری‌هایی است که جنبه آزمایش دارد. تعبیر إِنَّمَا (که معمولاً برای حصر آورده می‌شود) نشان می‌دهد که این دو موضوع، بیش از هر چیز دیگر وسیله امتحان است و آزمایش بودن اموال و فرزندان به خاطر این است که این دو نعمت دنیوی از زینت‌های جذاب زندگی دنیا است لذا نفس انسان به سوی آن چنان جذب می‌شود که از نظر اهمیت هم ردیف آخرت و اطاعت پروردگار قرار می‌دهد و در نتیجه انسان بر سر دوراهی سختی قرار گرفته و گاه به جانب آن دو متمایل و از آخرت غافل می‌شود، همان‌طور که در آیه ۴۶ کهف «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» ثروت را به زینتی زودگذر و فریبنده تشبیه نموده تا نشان دهد منافع و خیراتی که بشر از دارایی‌های خود انتظار دارد را در آنها نخواهد یافت و همه آرزوهایی را که آدمی از آنها دارد برآورده نمی‌سازند زیرا زینت، باقیماندنی نیست بلکه اساساً غیرواقعی و سریع‌الزوال است. (ر. ک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۳۱۹)

بنابراین توجه به وسیله آزمایش و زوال‌پذیر بودن مال عامل ایجاد آرامش در انسان بوده و بسیاری از مفاسد ناشی از حبّ مال را از قلب انسان می‌زداید.

### دو. جهت‌گیری اجتماعی گزاره‌های اخلاقی

موضوعات فرعی که دارای جهت‌گیری اجتماعی هستند ۲۸٪ آیات با کلید واژه «اموال» را به خود اختصاص داده‌اند. یکی از این آیات به‌عنوان نمونه، در جدول زیر آمده است:

آیه	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت‌گیری
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. (نساء / ۲۹)	لزوم احترام به حقوق مردم	نهی از تصرف مال مردم (حرام‌خواری)	اجتماعی
		پذیرش و تأیید اصل مالکیت خصوصی انسان‌ها	اجتماعی
		جامعه به منزله پیکره واحد با سرنوشت واحد «لاتقتلوا انفسکم»	اجتماعی
		اهمیت رضایت طرفین در معاملات	اجتماعی

مفسران معتقدند آیه ۲۹ نساء، زیربنای قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی بوده و از همین رو فقیهان در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند. آیه با مخاطب قراردادن مؤمنان، آنان را از خوردن اموال یکدیگر به روش‌های نادرست و باطل نهی می‌کند؛ یعنی هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه را تحت عنوان «باطل» - که مفهومی است در مقابل «حق» و هرچیز ناحق، بی‌هدف و بی‌پایه را دربرمی‌گیرد - قرارداده است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۵۵)

در همین آیه‌ای که به عنوان زیربنای قوانین مالی اسلام نامیده می‌شود، مسائل اخلاقی اجتماعی ویژه‌ای وجود دارد. برای نمونه گره‌زدن موضوع اقتصاد با مسئله خودکشی، یکی از نقاط عطف این آیه محسوب می‌شود. طبعاً این سؤال پیش می‌آید که چه ارتباطی میان «تصرف ناحق در اموال مردم» و مسئله «قتل نفس» وجود دارد؟ پاسخ‌های گوناگونی برای این سؤال می‌توان یافت؛ یکم اینکه همه مؤمنان را فرد واحدی در نظر گرفته، گویی جان هر فرد به مثابه جان سایر افراد جامعه است از این رو در چنین جامعه‌ای نفس یک انسان هم جان خود او است، و هم جان سایر افراد، بنابراین چه خودش را بکشد و چه دیگری را، در حقیقت خودش را کشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۲۰)

صاحب **تفسیر نمونه** در تبیین دیگری از آیه چنین می‌نویسد:

قرآن با ذکر این دو حکم پشت سرهم به یک نکته مهم اجتماعی اشاره نموده که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار نوعی خودکشی



و انتحار خواهد شد؛ علاوه بر اینکه انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است. حوادث و انقلاب‌هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده، شاهد گویای این حقیقت است و از آنجا که خداوند نسبت به بندگان خود، مهربان است به آنها هشدار می‌دهد و اعلام خطر می‌کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به نابودی و سقوط بکشاند. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۵۷)

### سه. جهت‌گیری مشترک گزاره‌های اخلاقی

همان‌گونه که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود در میان جهت‌گیری گزاره‌های اخلاق اقتصادی ۱۴٪ آیات دارای جهت‌گیری مشترک (فردی - اجتماعی) هستند.

آیه	مضمون اصلی	مضمون فرعی	جهت‌گیری
خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ. (توبه / ۱۰۳)	لزوم احترام به حقوق مردم	پرداخت زکات مال، عامل پاک شدن «تَطَهَّرُ هُمْ». ۱. مال؛ ۲. پاکی روح	فردی - اجتماعی
		پرداخت زکات باعث رشد فضایل اخلاقی در فرد و جامعه. «تُزَكِّيهِمْ بِهَا»	فردی - اجتماعی
		رابطه بین مالیات‌دهنده و مالیات‌گیرنده: عطوفت، محبت و معنویت	فردی - اجتماعی
		پرداخت حقوق مالی، عامل آرامش در زندگی	فردی - اجتماعی

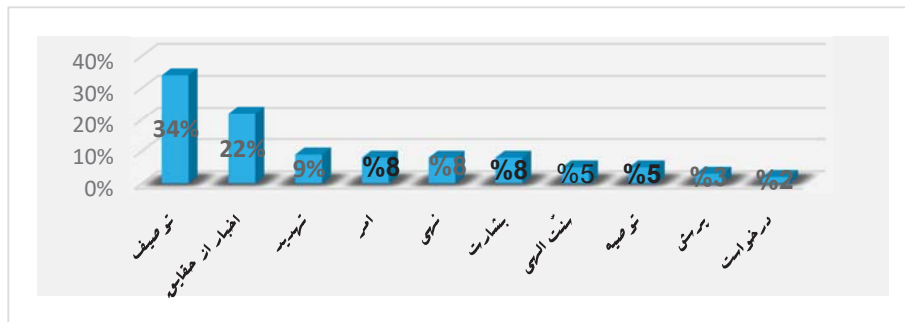
در این آیه موضوع پرداخت زکات مطرح شده و به رسول خدا ﷺ امر می‌کند که از مردم صدقه بگیرد. سپس نتایج فردی - اجتماعی پرداخت زکات، را بیان می‌کند؛ از جمله مهم‌ترین نتایج آن، اولاً پاک شدن روح انسان از آلودگی‌هایی چون وابستگی به ثروت است. در کنار این تطهیر فردی، فقر نیز که عامل بسیاری از مفاسد است به وسیله زکات (و تأمین زندگی محرومین با این روش)، از جامعه ریشه‌کن شده و به دنبال آن، جامعه را از بخشی از مفاسد ناشی از فقر پاک می‌سازد؛ ثانیاً آرامش، نتیجه دیگری است که در اثر دعای پیامبر ﷺ در زندگی افراد حاصل می‌شود؛ زیرا در آیه می‌فرماید: «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ» که کلمه «سَكَنٌ» به معنای چیزی است که دل را آرامش می‌بخشد؛ زیرا نفوس ایشان به واسطه دعای پیامبر ﷺ آرامش یافته و این خود نوعی تشکر از همکاری مؤمنان در انجام تکالیف مالی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۲۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۳۸)

### ۳. فراوانی قالب‌های بیانی

هر گوینده‌ای به منظور انتقال پیام خود به مخاطب، گونه‌ای از قالب‌های سخن را برگزیده و در کلام

خود مورد استفاده قرار می‌دهد. به منظور کسب اطلاعات اجمالی از انواع قالب‌های بیانی موضوعات مطرح‌شده در آیات با کلیدواژه «اموال»، نمودار این قالب‌های بیانی به صورت ذیل تقدیم می‌شود.

نمودار (۳) سنجش فراوانی قالب‌های بیانی در آیات با کلیدواژه «اموال»



در مواجهه نخست با مجموع آیات مرتبط با اموال، انتظار می‌رود همه جملات به کار رفته در آیات، با قالب بیانی امر و نهی باشند، درحالی‌که مطالعه دقیق این دسته از آیات نشان می‌دهد که قالب‌های بیانی مختلفی، مانند: توصیف، تهدید و بشارت، امر و نهی به کارگرفته شده است. مهم‌تر آنکه بیشترین قالب بیانی به کاررفته، قالب توصیف حالات انفاق‌کنندگان، زراندوزان و بخیلان و مرتبط با نحوه به کارگیری ثروت است و از آنجا که توصیف حالات یا سرنوشت انسان‌ها، یکی از بهترین روش‌های انتقال مفاهیم است از این‌رو به نظر می‌رسد قرآن کریم نیز با بیشترین بسامد (۳۴٪) از این قالب بیانی استفاده نموده است.

منظور از قالب بیانی توصیف، هرگونه مطلب توصیفی است که به بیان ویژگی‌ها و مشخصات چیزی یا کسی در متن اشاره دارد (جانی‌پور، تقویان، ۱۳۹۶: ۳۵) به‌عنوان مثال در آیه «وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا» (مدثر / ۱۲) به بیان ویژگی‌ها، مشخصات و عاقبت کسی<sup>۱</sup> اشاره دارد که علی‌رغم برخورداری از مال گسترده و فراوان (چه گستردگی از حیث حجم اموال، چه امتداد از نظر زمان و یا از نظر وسعت مکان)، در برابر نعمت‌های الهی شکرگزار نبوده بلکه بر اساس آیات، عناد مستمر و همیشگی نیز با حق داشته است: «كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا». (مدثر / ۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۵ / ۲۲۴)

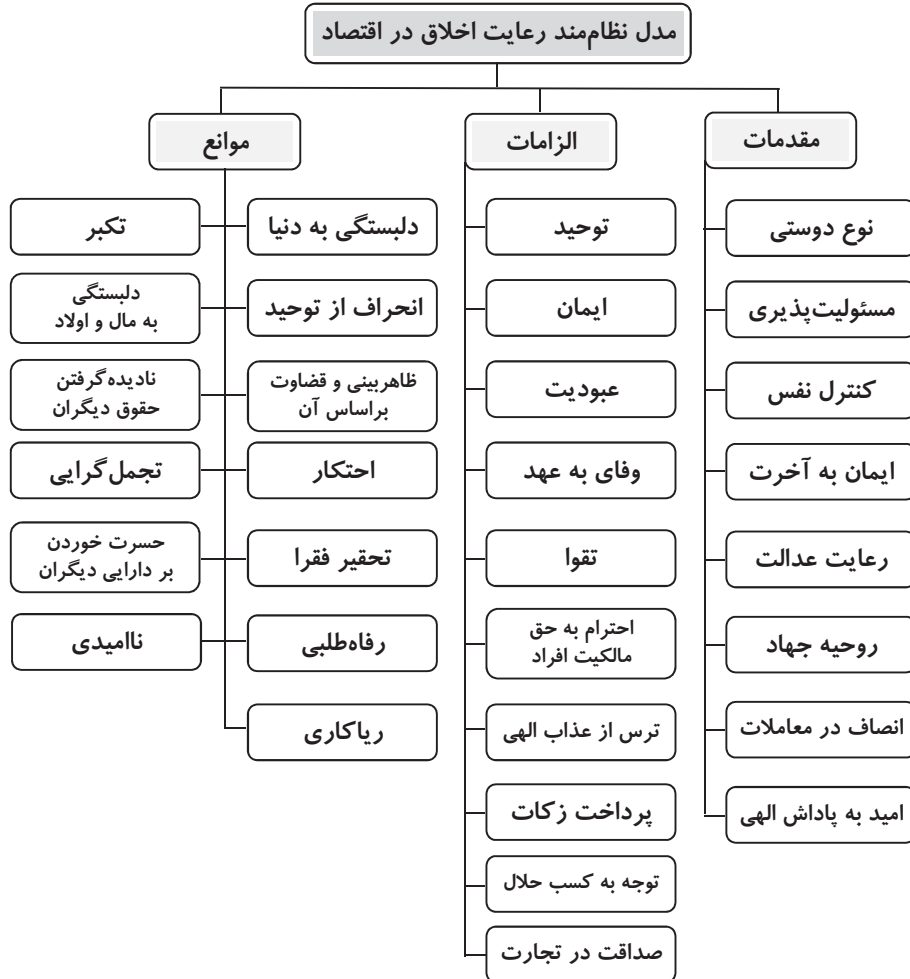
بنابراین نمودار (۳) بیانگر آن است که خداوند برای بیان مسائل اخلاقی مرتبط با اقتصاد اول از قالب بیانی «توصیف» و سپس «اخبار از حقایق» (مانند آیات نساء / ۱۰؛ توبه / ۵۵ و ۸۵ و ...) استفاده کرده و این دو در مجموع بیش از ۵۰٪ قالب بیانی آیات را دربر داشته‌اند. این قالب بیانی به جهت پرهیز

۱. بر پایه نقل برخی از مفسران، این آیه درباره ولید بن مغیره بوده که بعد از نزول این آیات رفته رفته مال و اولاد خود را از دست داد و در آخر نیز خودش هلاک شد. (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۱۳۶ - ۱۳۵)

از ذکر مستقیم مسائل مرتبط با اخلاق اقتصادی (امر و نهی) تأثیر بیشتری بر مخاطبان دارد.

### ارائه مدل نظام‌مند رعایت اخلاق در اقتصاد

از تحلیل ۸۶ آیه مرتبط با اخلاق اقتصادی در قرآن کریم بر مبنای کلیدواژه «اموال»، اصول اخلاقی گوناگونی استخراج شد که پس از درج در جدول تحلیل محتوا، مضامین اصلی و فرعی، جهت‌گیری‌ها و قالب‌های بیانی آن تبیین گردید. آنچه در این بخش، تحت عنوان مدل نظام‌مند رعایت اخلاق در اقتصاد بر اساس آیات قرآن، ارائه می‌شود، مؤلفه‌ها و عناصری است که قرآن آنها را به‌عنوان مؤلفه‌های اخلاقی اقتصاد به کار برده و از میان مضامین فرعی استخراج شده است:



### نتیجه

بررسی و مطالعه تحلیلی گزاره‌های مرتبط با اخلاق اقتصادی در قرآن کریم - که بر مبنای کلیدواژه

«اموال» در قرآن کریم استخراج شده - نشان می‌دهد این مفاهیم دارای انسجامی دقیق بوده و تشکیل‌دهنده یک نظام هماهنگ است، به نحوی که در بعد مقدمات اخلاق اقتصادی، الزامات آن و موانع رسیدن به اخلاق در حوزه اقتصاد، مفاهیم را در شکل یک نظام از معارف اسلامی تبیین نموده است.

بر پایه نتایج حاصل از پژوهش حاضر، بیشترین تأکید آیات بر شیوه مصرف ثروت است. از میان آیاتی که به راه‌های مصرف اموال در قرآن می‌پردازد در ۴۸٪ آیات، سخن از جهاد با اموال، ۴۰٪ موضوع انفاق و ۱۳٪ مسائل دیگر است.

در موضوع جهاد مالی دو مفهوم در آیات بیشتر مورد اهتمام است: یکم؛ انجام تکالیف مالی اسلام (مانند زکات) و دوم که دارای بسامد قابل توجه (۷۵٪) است مربوط به هزینه کردن مال در راه دین و عقیده یعنی دعوت به جهاد با مال و صرف هزینه در راه تقویت جبهه حق است. علاوه بر این قید «فی سبیل الله» در آیات مورد بررسی، بسیار تکرار می‌شود تا نشان دهد شرط قبول جهاد مالی این است که تنها برای جلب رضایت الهی بوده و انگیزه انفاق‌کننده از تظاهر و ریا خالی باشد. همچنین در آیات مرتبط با انفاق افزون بر ترغیب مؤمنان به انفاق، امور اخلاقی فراوانی مانند اثرات فردی - اجتماعی انفاق، شرایط انفاق مقبول، آفات انفاق (ریا، منت) و ... بیان شده است.

در یکی دیگر از موضوعات اصلی مطرح‌شده، مسئله حب مال و نتایج ناشی از مال دوستی، مانند: گرفتاری به غضب الهی، شدت عذاب در لحظات مرگ، غفلت از یاد خدا، تفاخر و تکاثر، ترک جهاد، عدم اطاعت از فرامین الهی و ... است.

از جمله مهم‌ترین موضوعات اخلاقی مرتبط با اقتصاد در قرآن کریم، نحوه برخورد یا استفاده رهبران جامعه اعم از رهبران الهی و غیر آن - به ویژه علماء دینی - با ثروت و ثروتمندان است. قرآن کریم در توصیف رهبران الهی بیان می‌دارد که دعوت ایشان، وسیله‌ای برای جلب اموال مردم یا به انگیزه طمع مال نبوده بلکه ایشان در طول دعوت خویش، چیزی از مردم نمی‌خواهند و هرگز هدف مادی از این برنامه نداشته و جز به پاداش الهی نمی‌اندیشد.

یکی دیگر از موضوعات که می‌توان در آیات اخلاقی - اقتصادی قرآن کریم بدان دست یافت مسئله «جامعیت دین اسلام» است. دین اسلام در عین حال که اموراخروی را مورد توجه قرار داده و بر آن تأکید می‌ورزد اما حمایت از فقراء، حفظ حقوق یتیمان و دستگیری از محرومان جامعه را نیز در کنار مسائل عبادی، جزء تکالیف واجب مؤمنان می‌داند.

با بررسی موضوعات فرعی استخراج شده از متن آیات، روشن شد که قرآن کریم در بیان مسائل اخلاقی اقتصادی خود، سه رویکرد دارد که عبارتند از: جهت‌گیری فردی، جهت‌گیری اجتماعی و جهت‌گیری مشترک (فردی - اجتماعی) که بر اساس نمودارهای فراوانی داده‌ها در این بخش، حوزه

فردی از بسامد بیشتری برخوردار بوده که نشان می‌دهد در این حوزه نقش اصلی، مبتنی بر رفتارهای فردی در حوزه اخلاق اقتصادی است.

موضوع مهمی که در حوزه اخلاق اقتصادی فردی مورد توجه است، بحث آزمایش انسان در اموال و پرهیز از وابستگی به ثروت و نیز در حوزه اجتماعی، لزوم احترام به حقوق دیگران می‌باشد. در نهایت اینکه قرآن کریم، به منظور انتقال پیام خود به مخاطب، قالب‌های متنوع سخن را در کلام خود مورد استفاده قرار داده است. این قالب‌های بیانی از گوناگونی زیادی مانند توصیف، تهدید و بشارت، امر و نهی، پرسش و ... برخوردار هستند. بیشترین قالب بیانی به کاررفته (۳۴٪)، قالب توصیف حالات انسان در نحوه برخورد با ثروت است که بیانگر تأثیر بیان توصیف حالات یا سرنوشت انسان‌ها و توجه به عاقبت افراد اعم از سعادت‌مندی یا شقاوت، در انتقال مفاهیم است.

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ۱۴۱۵ ق، تهران، دار القرآن الکریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد، بی تا، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۲، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران، کیهان.
- باردن، لورنس، ۱۳۷۵، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی‌دوزی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- تارو، لستر، ۱۳۷۶، *آینده سرمایه‌داری*، ترجمه عزیز کیاوند، تهران، آگاه.
- تیاسن، امره، ۱۳۷۷، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ ق، *تفسیر تسنیم*، قم، إسرائ.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۳، *گستره شریعت*، قم، دفتر نشر معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۷۵، *اقتصادنا*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ج ۳.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۷۳، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی، ج ۵.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱.
- کریندورف، کلوس، ۱۳۷۸، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، روش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- محمدی‌مهر، غلامرضا، ۱۳۸۹، *روش تحلیل محتوا: راهنمای عملی تحقیق*، تهران، گنجینه علوم انسانی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۸، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- مصطفوی، حسن، بی تا، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، قاهره، دار الکتب العلمیه، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- نراقی، ملا محمد مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، بیروت، علمی.
- هولستی، آل. آر، ۱۳۷۳، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده و امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

#### ب) مقاله‌ها

- ایروانی، جواد، ۱۳۸۳، «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»، *الهیات و حقوق*، ش ۱۴، ص ۱۲۰-۹۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- محدث، سجاد، سعید سعیدی منش و نسرین بهمنی، ۱۳۹۴، «مقایسه تطبیقی جایگاه ثروت در دین اسلام و نظریه اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری داریماکس وبر»، مشهد، *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، فرهنگ و توسعه اقتصادی*.
- مقدم، وحید، محمد جانی‌پور و علی خلیلی، ۱۳۹۶، «الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۶۵، ص ۶۱-۳۳، قم، پژوهشگاه و اندیشه اسلامی.
- موسوی‌نسب کرمانی، سید محمدرضا، ۱۳۸۴، «آشنایی با روش تحلیل محتوا»، قم، سایت *موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه*.
- میرمعزی، سید حسین، ۱۳۹۵، «اخلاق اسلامی و مذهب اقتصادی اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۶۲، ص ۶۰-۳۳، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نیک‌پور، مهدی، ۱۳۹۵، «جایگاه ثروت در اسلام و نقش آن در زندگی و سرنوشت انسان»، *علوم و معارف قرآن و حدیث*، ش ۷، ص ۱۰۲-۸۵، قم، مرکز تخصصی حدیث حوزه.